

# نمایش خلاق

گردآوری: بهاره بهداد - مینا ذاکر شهرک

بیشتری دارد.

نمایش خلاق، کاری حرفه‌ای نیست، بلکه کاری است که توسط کودکان صورت می‌گیرد. هدف اصلی نمایش خلاق، «مشارکت دادن» کودکان در فراگیری بسیاری چیزهاست که در عین حال، موجب رشد شخصیت و پرورش ذهن و خلاقیت آن‌ها می‌شود.

ادبیات نمایشی کودک و نوجوان، بخشی از ادبیات شفاهی یا نوشتاری است که ویژه مخاطبان کودک و نوجوان پدیدآمده است و ریشه آن را باید در ادبیات آیینی و باستانی جست و جو کرد. بخش شفاهی آن جنبه عامیانه دارد و در جای جای ایران به شکل گسترده به چشم می‌خورد.

ادبیات نمایشی شفاهی، برای اجرا به جا و ابزارهای ویژه نیاز ندارد و در همه جا قابل اجراست. اگر هم به ابزارهایی نیاز باشد، ساده‌ترین آن‌ها هم چون سنگ، چوب، خاک، پارچه، استخوان و ریسمان در همه جا در دسترس است. زمانی که این ابزار نباشد، کودکان از بازی‌های نمایشی باز نمی‌مانند و با خلاقیت خود، جای خالی آن‌ها را پر می‌کنند. تا پیش از مشروطه و تا نزدیک دهه ۱۳۰۰ شمسی، کودکان در این بازی‌ها تنها بودند و جای مربی در کنار آن‌ها خالی بود. آن‌ها بازی‌ها را از پدر و مادر یا کودکان بزرگ‌تر می‌آموختند.

نیست و مهم‌ترین نکته در این نوع نمایش، مراحل انجام دادن کار است.

نمایش خلاق، شامل قطعات و داستان‌های فی‌البداهه، تمرین‌ها و نوآوری‌های حرکتی و بازی‌ها و سرودهای نمایشی است و تمرین نمایشی، بدون مراعات قواعد رسمی نمایش و پانتومیم، انجام می‌گیرد.

بازی نمایشی، بخشی از طبیعت کودک است. تاریخ به ما می‌گوید که کودکان همه سرزمین‌ها و فرهنگ‌ها، بیشترین وقت فراغت و بازی خود را به وانمود کردن شخصیت‌ها و درگیر شدن در ماجراهای تخیلی می‌گذرانند. برخی از نویسندگان عقیده دارند که این گونه بازی‌ها (که کودکان نقش بزرگ‌ترها را ایفا می‌کنند)، در حقیقت نوعی آموزش مقدماتی برای زندگی کردن مانند یک بزرگسال است. این نویسندگان اظهار می‌دارند که کودکان در خلال بازی‌های تخیلی خود، لباس بزرگ‌ترها را بر تن و نقش آن‌ها را بازی می‌کنند تا هنگامی که به بزرگسالی می‌رسند، بهتر بتوانند با واقعیت‌ها و وظایف بزرگ‌ترها کنار بیایند.

نمایش خلاق را نباید با نمایش نامه تئاتری اشتباه گرفت. نمایش خلاق، برای منظوری عملی‌تر و با امکاناتی محدودتر در نظر گرفته شده است. در نمایش خلاق، کار آموزشی جای

کودکان دوست دارند با آن چه در اطراف شان هست و یا آن چه در اختیارشان گذاشته می‌شود، چیزی بیافرینند و آن‌ها را از جای اصلی‌شان بردارند و جای دیگر بگذارند. بچه‌ها از طریق این نوع مشغولیات، فرصت می‌یابند رویدادهای زندگی را بازسازی کنند، آن‌ها را دگرگون سازند و با خواسته‌ها و نیازهای خود سازگار کنند. این نوع بازی‌های کودکانه، به بازی‌های نمایشی یا نمایش خلاق معروف شده‌اند.

نمایش خلاق، شکلی از وانمودسازی است؛ تجربه‌ای سازمان یافته است که با دقت طراحی می‌شود و به اجرا درمی‌آید. کودکان به وسیله نمایش خلاق، صحنه، رویداد مشکل یا واقعه برخاسته از ادبیات کودکان را با هدایت آموزگار، خلق یا بازآفرینی می‌کنند. این فعالیت نمایشی، به وسیله کودکان مورد بحث قرار می‌گیرد. هم‌چنین، توسط خود آن‌ها طراحی و ارزشیابی می‌شود، اما این فعالیت را نمی‌توان به معنای سنتی آن «نمایش» خواند. در این جا، سناریو [متن نمایش] هرگز مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. به علاوه، بیشتر اوقات لباس کم‌ترین ضرورتی و لوازم و دکور کوچک‌ترین نقشی ندارد. در اجرای نمایش خلاق، فقط نظر تماشاچی احتمالی در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه نظر اجراکنندگان نمایش مورد توجه است. اهمیت نمایش خلاق، در فرآورده نهایی آن



## نمایش خلاق، یک راه آسان برای تلفیق هنر و آموزش است. منظور از آموزش، مفهوم گسترده آن شامل انتقال دانش، پرورش بینش و رشد شخصیت و خلاقیت آموزش گیر است

### تأثیر نمایش خلاق

کودکان، نمایش‌ها را می‌سازند، اما ماجراها را گفت‌وگوها به جای آن که از روی متنی مکتوب حفظ شوند، اکثراً فی البداهه‌اند. تنها چیزهایی که می‌توان به عنوان «نوشته» مورد توجه قرار داد، آن‌هایی است که بچه‌ها پس از بداهه‌سازی یک صحنه می‌نویسند و می‌خواهند آن چه را که آفریده‌اند، ثبت کنند.

نمایش خلاق، یک راه آسان برای تلفیق هنر و آموزش است. منظور از آموزش، مفهوم گسترده آن شامل انتقال دانش، پرورش بینش و رشد شخصیت و خلاقیت آموزش گیر است. تلفیق هنر و آموزش، برای کودکان بسیار مفید است. بنابر نظر کارشناسان، ذهن کودکان با مشخصاتی که دارد، برای یادگیری هنر مستعدتر است. کودکان، به ویژه در سال‌های پیش دبستان و دوره دبستان، هرچیزی را تجسم می‌کنند. به عبارتی دیگر، ذهن آن‌ها واقعیت‌های قابل لمس را بهتر از مطالب انتزاعی و مجرد دریافت می‌کند. به همین دلیل، در کتاب‌های درسی جدید برای آموزش ریاضی که از انتزاعی‌ترین علم‌هاست، از تصاویر، یعنی عنصر حسی استفاده می‌کنند. برای کودک، نماد ۴+۵ امری انتزاعی و از این رو بی‌معنی است، اما تصویر چهار سیب، به اضافه تصویر چهار پرتقال، محسوس و دارای معنی است. برای همین است که در شیوه سوادآموزی جدید، به جای آموزش الفبا، به طور مجرد، حروف

الفبا را در کلمه و جمله یاد می‌دهند. وقتی کلمه و جمله با تصویر همراه باشد، برای کودک مفهوم‌تر از حروف الفباست که صرفاً نماد هستند. با استفاده از این شیوه، کودکان امروز مهارت خواندن را بسیار سریع‌تر از گذشتگان یاد می‌گیرند.

نمایش خلاق، در پرورش ذهن کودک، تأثیر همه جانبه‌ای دارد. ذهن انسان، امکانی برای یادگرفتن یک سلسله مطالب و قواعد نیست. ذهن انسان، به منزله کلیت انسان و عبارت از کیفیتی جسمانی، عاطفی، عقلانی و روحانی است. برای هر آموزش مؤثر و کارآمد، باید تمام کیفیت‌ها را به کار گرفته و تمام این استعدادها شکفته شود. در آموزش از طریق هنر، تمام این کیفیت‌ها به کار گرفته می‌شود. بدون به کارگیری تمام اجزای ذهن، یعنی استعدادهای جسمانی، عاطفی، عقلانی و روحانی، آموزش به درستی صورت نمی‌گیرد.

### اصول نقش آفرینی کودکان

هرگاه بازی‌های نمایشی کودکان، جنبه‌های آموزشی و یاددهی داشته باشد، باید مراقب خود جوشی‌های کودکان در اجرای بازی و خلق صحنه‌های ذهنی بود؛ طوری که به خودانگیختگی آن‌ها صدمه‌ای وارد نشود.

ادبیات نمایشی شفاهی، در اجرا به اصول ویژه‌ای نیاز دارد که کودکان، ناخودآگاه آن‌ها را به کار می‌بندند:

۱. اصل خلاقیت: کودکان، همه عوامل و عناصر سازنده نمایش هم‌چون بازیگری، کارگردانی و طراحی که بالقوه و به شکلی ساده و ابتدایی در اجراهای‌شان وجود دارد، با خلاقیت می‌آفرینند.

۲. اصل بداهه‌پردازی: گفت و گو، حرکت، قصه‌پردازی نمایشی و طراحی‌ها بیشتر با بداهه‌سازی پدید می‌آید. یک بازی با شمار یکسان بازیگران، اجراهای ناهمسان خواهد داشت و همه عوامل آن دگرگون خواهند شد.

۳. اصل فاصله‌گذاری: روابط کودکان در اجرای این بازی‌های نمایشی، به گونه‌ای است که هیچ گاه هنگام اجرای نقش، خود را فراموش نمی‌کنند و در نقش غرق نمی‌شوند. آن‌ها هنگام بازی، آونگ وار بین خود و نقش‌شان در نوسان‌اند به همین دلیل، خود را بهتر می‌شناسند و داوری کردن را می‌آموزند.

۴. اصل اصالت اجرای بدون امکانات: نبود امکانات هم‌چون جا یا ابزار مناسب و شمار افراد، هرگز سبب ایستایی کار نمی‌شود. وجود اصول ذکر شده، خود جای خالی ابزار را پر می‌کند و حتی گاه به اجرا جلوه بیشتری می‌دهد.

۵. اصل اصالت بازیگر: کودکان از میان همه عناصر بازی‌های نمایشی، به گونه‌ای غریزی، اصالت را به بازیگری می‌دهند. به عبارت دیگر، عنصر اصلی در بازی‌های نمایشی، بازیگری است.

هر کدام از عناصر حذف یا کم رنگ شوند، خللی در بازی پدید نمی‌آید؛ مگر با حذف بازیگر. گفتنی است که به دلیل محدودیت واژگانی کودکان، آن‌ها را برای بیان مفاهیم بازی، بیشتر به «حرکت» گرایش دارند و میان دو عنصر بازیگری، یعنی کلام و حرکت، دومی را برمی‌گزینند.

#### گونه‌های ادبیات شفاهی کودکان

۱. بازی‌های انگشتی: آغازگر بازی، دست چپ خود را جلوی کودک یا کودکان باز نگاه می‌دارد و با انگشت اشاره دست راست، یکی یکی انگشت‌هایش را می‌گیرد و با صداهای گوناگون، آن‌ها را می‌شناسد. سپس انگشت‌ها را یکی یکی می‌بندد تا دستش مشت شود. روایت‌های گوناگون بازی‌های لی لی حوضک، تاب تاب خمیر و این گفت بریم زد، در این گونه بازی جای دارد.
۲. ترانه‌های نمایشی: شامل ترانه‌هایی است که یک یا چند حرکت نمایشی ساده را تصویر می‌کنند. از نمونه‌های که می‌شود در این گروه جای داد، می‌توان به خره خراطی می‌کرد، دویدم و دویدم و یک مرغ زردی داشتیم، اشاره کرد.
۳. بازی‌های نمایشی:  
الف - بازی‌های نمایشی عامیانه: بازی‌های

بازی‌های نمایشی طرح ریزی کرد، از این قرارداد: پرورش و رشد احساسات عاطفی: کودکان در این نوع بازی‌ها، احساس عاطفی خودشان را به نمایش می‌گذارند، هم دردی می‌کنند، به کمک رسانی می‌پردازند، هدایت و راهنمایی می‌کنند، احساسات خودشان را بیرون می‌ریزند، به اندک چیزی غصه‌دار می‌شوند، با توفیق مختصری شادی و فرح بر وجودشان مستولی می‌شود، به تجربه‌های لذت بخش می‌رسند، با علاقه‌ها و امیال خود کلنجار می‌روند و با رفتار و روش‌های مناسب، به آن چه مورد علاقه شان است، دست می‌یابند.

وقتی بچه‌ها به بازی‌های نمایشی خودجوش می‌پردازند، با تمام وجود در قالب بزرگسالان فرو می‌روند و با تقلید از آن‌ها همه ریزه کاری‌ها را در نقش آفرینی‌های خود معمول می‌دارند. حتی اتفاق می‌افتد که به میل خود و با ابتکارهایی که به خرج می‌دهند، اعمال و رفتار آن‌ها را تصحیح می‌کنند نمود جالب‌تر و حتی عاقلانه‌تری به آن‌ها می‌بخشند.

○ پرورش و رشد اجتماعی (همزیستی‌های اجتماعی):

در این بازی‌ها، کودکان به کارهای مشترک

### عمده‌ترین هدف‌هایی که می‌توان در بازی‌های نمایشی طرح ریزی کرد، از این قرارداد:

#### ○ پرورش و رشد احساسات عاطفی

#### ○ پرورش و رشد اجتماعی (همزیستی‌های اجتماعی)

#### ○ پرورش فعالیت‌های حرکتی

#### ○ پرورش رشد شناختی و عقلانی

#### ○ پرورش شخصیت مستقل

عمو زنجیر باف، دختره اینجا نشسته، گرگم و گله می‌برم، مجسمه بازی و آسیا به چرخ از این گروه است.

ب - بازی‌های نمایشی آیینی: این گونه بازی‌های نمایشی، در مناسبت‌هایی مانند شب یلدا، شب چهارشنبه سوری، عیدها، ماه گرفتگی و بیش از همه، برای درخواست باران اجرا می‌شوند.

ج - نمایش بازی: این بازی‌های نمایشی تا اندازه‌ای به نمایش نزدیک می‌شوند که بهتر است آن‌ها را نمایش بازی بنامیم. بازی‌هایی هم چون خاله بازی، عروس بازی و مرده بازی و شیطونک، از این دست به شمار می‌آیند.

#### اهداف نمایش خلاق

عمده‌ترین هدف‌هایی که می‌توان در

#### ○ پرورش رشد شناختی و عقلانی:

کودکان در وانمودسازی‌ها و همسان‌سازی‌هایی که در این بازی‌ها می‌کنند، می‌کوشند در رویارویی با موقعیت‌های دشوار و پیچیده، به تفکر بیشتر بپردازند و علل رخدادها را درک کنند. برای حل مشکلاتی که گریبانگیرشان می‌شود، راه حل‌های تازه می‌جویند و در واقع، به خود باوری و استقلال عمل می‌رسند.

#### ○ پرورش شخصیت مستقل:

با اجرای این بازی‌ها در زمینه‌های مختلف، می‌توان به کودکان آموخت که روی پای خود بایستند و با بهره‌گیری از درک و احساس خود، به مصاف رویدادها و تا آن جا که می‌توانند، از خود مایه بگذارند.

#### نتیجه:

هدف از نمایش خلاق، آزادی کودکان در بیان احساس، تجلی شخصیت و تجربه اندوزی آنان در ابعاد مختلف زندگی است. درحقیقت، هدف تربیت کودک است، نه تربیت هنرپیشه. لذا باید همه کودکان را در این نمایش شرکت داد، نه فقط کودکان با استعداد را. دست اندرکاران آموزش، فواید بسیاری در کاربرد نمایش خلاق در کلاس درس یافته‌اند. از جمله این فواید، عبارتند از: پرورش مهارت‌های هنری در کاربرد زبان و رشد مهارت‌های جمعی، انگیزش تخیل خلاق، پرورش درک کودک از رفتارهای انسانی و شرکت در کار جمعی و حل جمعی مشکلات.

بنابراین، نمایش خلاق، یکی از راه‌های ایجاد توازن در استعدادها و گوناگون و گسترش دید و بینش کودکان است. کودکان ضمن کار گروهی، نمایش زنده‌ای را متناسب با رشد عاطفی و عقلانی خود می‌آفرینند و در آن زندگی و مردم را آن طور که می‌بینند و احساس می‌کنند، به تصویر در می‌آورند. چنین کاری، به مراتب بیش از یاد گرفتن مطالب خشک درسی، برای آن‌ها جالب و در عین حال متضمن فعالیت ذهنی و به کار انداختن قوه تفکر و فراگیری است.

#### منابع:

۱. چمبرز، دیویی: قصه گوئی و نمایش خلاق، ترجمه ثریا قزل ایاغ، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶.
۲. محمدی، محمدهادی - قائینی، زهره: تاریخ ادبیات کودکان ایران، تهیه شده در بنیاد پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان ایران، تهران: چپستا، ۱۳۷۹.
۳. پولادی، کمال: نمایش خلاق؛ هم هنر و هم آموزش، گلبنگ سال دوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۵.
۴. تأثیر کودکان (شش مقاله کوتاه): ترجمه حسین سیدی، تهران: برگ، ۱۳۷۷.
۵. رئوف، علی: بازی‌های نمایشی (وانمودسازی، نامه مربی، شماره ۵، اسفند ۱۳۷۶.

و جمعی می‌پردازند، محیط زندگی و عوامل تشکیل دهنده، آن را شناسایی می‌کنند، افکار و تخیلات خودشان را با افکار و تخیلات هم‌بازی‌های خود می‌آمیزند و از ایفای نقش‌هایی که به زندگی گروهی مربوط می‌شود، به رضایت می‌رسند.

#### ○ پرورش فعالیت‌های حرکتی:

در این بازی‌ها، کودکان مرتب در حرکت هستند و با استفاده از اندام‌های مختلف بدن، مثل دست و پا و انگشتان و هماهنگی لازم بین عضلات بدن به جنب و جوش در می‌آیند، مکث می‌کنند، حرف می‌زنند، زمین می‌گذارند، می‌چرخند، می‌خزند، مقاومت می‌کنند و حواس پنجگانه شان به کار می‌افتد و به تجربه‌های تازه‌ای می‌رسند.